

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۴۱۷ھ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
پایان نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش های  
تاتی خلخال، تالشی و گیلکی

از:

جهاندوست سبزعلیپور

استاد راهنما:

دکتر محرم رضایتی کیشه خاله

استاد مشاور (اول):

دکتر حسن رضایی باغبیدی

استاد مشاور (دوم):

دکتر علی رفیعی جیردهی

۱۳۸۹ / ۷ / ۳

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه گیلان

تیر ماه ۱۳۸۸



۱۴۱۷۴۹

تقدیم به:

همه کسانی که به «زبان» و «کلام» خویش می اندیشند.

## تقدیر و تشکر

### خداوند بزرگ را

سپاس گزارم که توفیق انجام این کار را به من ارزانی داشت.  
این اثر بزرگ انجام نمی شد مگر در سایه الطاف بزرگ او.

### از استادان گران قدرم:

جناب آقای دکتر محرم رضایتی کیشه خاله، استاد راهنما،  
جناب آقای دکتر حسن رضایی باغبیدی، استاد مشاور (اول)،  
و جناب آقای دکتر علی رفیعی جیردهی، استاد مشاور (دوم)،

از مدیریت محترم گروه زبان و ادبیات فارسی،

جناب آقای دکتر محمدعلی خزانه دارلو

از استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی،

از دوستان عزیزم که همواره مرا در این راه همراهی کردند:

جناب آقایان مجتبی میرمیران، رضا چراغی، علی نصرتی سیاهمزیگی، عبدالرضا تحریری؛

### از گویشوران صبور این اثر:

جناب آقایان مسعود پورهادی، جواد معراجی لرد، عاکف جبروتی، اسحاق فناپی، پیمان خدایی، رسول شریفی،  
حجت نوروزی، احمد رحمت پناه؛

بی نهایت قدردانی و سپاس گذاری می نمایم و امیدوارم زحمات این حقیر را با بزرگواری خود ببخشایند.

### و بیش از همه از زحمات همسرم،

سرکار خانم صادق زاده خوجین، که در این مدت همه زحمات من و فرزندان و خانه بر دوش ایشان بود و این کار  
بی صبوری و پشتیبانی ایشان انجام نمی شد؛

و از فرزندانم:

صبا و سنا

که در این مدت تلخکامی هایم را تحمل کردند، قدردان و سپاس گزارم.

## فهرست

صفحه	موضوع
ش	علایم آوانگاری و نشانه‌های اختصاری
ص	چکیده فارسی
ض	چکیده انگلیسی
۱۴-۱	مقدمه مبادی و کلیات
۱	۱- بیان مسأله
۲	۲- پیشینه تحقیق
۴	۳- ضرورت و هدف تحقیق
۴	۴- روش تحقیق
۱۱	۵- پرسش‌های اساسی تحقیق
۱۱	۶- ساختار پایان‌نامه
۲۵-۱۴	پیش‌گفتار
۱۰۵-۲۶	بخش اول: گویش تاتی
۲۶	۱- ریشه فعل
۳۶	۲- ماده فعل
۲۷	۱-۲ ماده مضارع
۲۷	۲-۲ ماده ماضی
۳۱	۳-۲ ماده مجهول
۳۲	۴-۲ ماده جعلی
۳۲	۵-۲ ماده سببی
۳۳	۳- مصدر
۳۳	۱-۳ مصدر ساده
۳۳	۲-۳ مصدر پیشوندی
۳۴	۳-۳ مصدر ترکیبی
۳۴	۴- پیشوندهای فعل
۳۴	۱-۴ پیشوندهای تصریفی
۳۴	۱-۴-۱-۱- وند وجه
۳۵	۱-۴-۱-۱- وند وجه اخباری
۳۵	۱-۴-۱-۲- وند وجه تمنایی
۳۵	۱-۴-۱-۳- وند وجه التزامی
۳۵	۱-۴-۱-۴- وند وجه امری
۳۶	۱-۴-۲- وند نمود

۳۶	۱-۲-۱-۴	وند نمود مستمر
۳۷	۳-۲-۱-۴	وند نمود تأکیدی
۳۸	۵-۲-۱-۴	وند /say/
۳۹	۳-۱-۴	وند نفی
۴۱	۲-۴	پیشوندهای اشتقاقی
۴۱	۱-۲-۴	پیشوندهای فعلی
۴۷		<b>۵- پسوندهای فعلی</b>
۴۷	۱-۵	پسوندهای تصریفی
۴۷	۱-۱-۵	شناسه‌های فعلی
۴۷	۱-۱-۱-۵	شناسه‌های ماضی
۴۸	۲-۱-۱-۵	شناسه‌های مضارع
۴۸	۳-۱-۱-۵	شناسه‌های تمنایی
۴۹	۴-۱-۱-۵	ضمایر متصل غیرفعلی
۴۹	۲-۱-۵	پسوند ماده ماضی ساز
۵۰	۳-۱-۵	وند سببی
۵۰	۲-۵	پسوندهای اشتقاقی
۵۰	۱-۲-۵	پسوند مصدر ساز
۵۰	۲-۲-۵	پسوند صفت مفعولی
۵۲		<b>۶- وجه فعل</b>
۵۲	۱-۶	وجه اخباری
۵۲	۲-۶	وجه تمنایی
۵۲	۳-۶	وجه التزامی
۵۲	۴-۶	وجه امری
۵۳		<b>۷- نمود فعل</b>
۵۳	۱-۷	نمود ساده
۵۳	۲-۷	نمود مستمر
۵۳	۳-۷	نمود تأکیدی
۵۳	۴-۷	نمود آغازی
۵۴		<b>۸- جهت فعل</b>
۵۴	۱-۸	فعل متعدی
۵۴	۲-۸	فعل لازم
۵۵	۳-۸	فعل مجهول
۵۶		<b>۹- زمان فعل</b>
۵۷	۱-۹	ماضی مطلق

۵۹	۲-۹ ماضی نقلی
۵۹	۱-۲-۹ ماضی نقلی
۶۰	۲-۲-۹ ماضی نقلی نزدیک
۶۱	۳-۲-۹ ماضی نقلی ابعاد
۶۲	۴-۲-۹ ماضی نقلی غیر محقق
۶۴	۵-۲-۹ ماضی نقلی بعید غیر محقق
۶۵	۳-۹ ماضی تمنایی
۶۷	۴-۹ ماضی التزامی
۶۸	۵-۹ ماضی بعید
۷۰	۶-۹ ماضی بعید تمنایی
۷۲	۷-۹ ماضی استمراری
۷۴	۸-۹ ماضی استمراری تمنایی
۷۵	۹-۹ ماضی مستمر
۷۷	۱۰-۹ مضارع اخباری
۷۹	۱۱-۹ مضارع تمنایی (شرطی)
۸۰	۱۲-۹ مضارع التزامی
۸۲	۱۳-۹ مضارع مستمر
۸۳	۱۰- فعل امر و نهی
۸۳	۱-۱۰ فعل امر
۸۷	۲-۱۰ فعل نهی
۸۸	۱۱- فعل های معین و شبه معین
۸۸	۱-۱۱ فعل معین
۹۰	۲-۱۱ فعل های شبه معین
۹۰	۱-۲-۱۱ توانستن
۹۱	۲-۲-۱۱ بایستن
۹۲	۳-۲-۱۱ خواستن قلبی، آرزو داشتن
۹۳	۴-۲-۱۱ نکند/ بکند (میبادا/ بادا)
۹۳	۵-۲-۱۱ شروع کردن
۹۴	۶-۲-۱۱ امکان داشتن
۹۴	۱۲- فعل های ربطی
۹۴	۱-۱۲ bi-en/an بودن
۹۷	۲-۱۲ â-bi-en/an
۹۸	۳-۱۲ da-bi-en/an
۹۸	۴-۱۲ pe-bi-en

۹۸	e-bi-en ۵-۱۲
۹۸	ara-bi-an/an ۶-۱۲
۹۹	۱۳- فعل‌های غیرشخصی
۹۹	۱۴- فعل ناقص
۱۰۰	۱۵- چند نکته مهم در فعل تاتی
۱۰۰	۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری
۱۰۱	۲-۱۵ افزونه فعل‌های ماضی
۱۰۲	۳-۱۵ ساخت ارگتیو
۱۰۴	۴-۱۵ تمایز جنس دستوری در تاتی
۱۲۰-۱۰۶	بخش دوم: نتیجه بخش گویش تاتی
۱۹۸-۱۲۱	بخش سوم: گویش تالشی
۱۲۱	۱- ریشه فعل
۱۲۲	۲- ماده فعل
۱۲۲	۱-۲ ماده مضارع
۱۲۳	۲-۲ ماده ماضی
۱۲۷	۳-۲ ماده مجهول
۱۲۸	۴-۲ ماده جعلی
۱۲۸	۵-۲ ماده سببی
۱۲۹	۳- مصدر
۱۳۰	۱-۳ مصدر ساده
۱۳۰	۲-۳ مصدر پیشوندی
۱۳۰	۳-۳ مصدر ترکیبی
۱۳۱	۴- پیشوندهای فعل
۱۳۱	۱-۴ پیشوندهای تصریفی
۱۳۱	۱-۴-۱-۱ وند وجه
۱۳۱	۱-۴-۱-۱-۱ وند وجه اخباری
۱۳۱	۱-۴-۱-۲ وند وجه تمنایی
۱۳۱	۱-۴-۱-۳ وند وجه التزامی
۱۳۱	۱-۴-۱-۴ وند وجه امری
۱۳۲	۲-۴-۱-۲ وند نمود
۱۳۲	۱-۴-۲-۱-۱ وند نمود مستمر
۱۳۳	۱-۴-۲-۳ وند نمود تأکیدی
۱۳۵	۳-۴-۱-۱ وند نفی
۱۳۸	۲-۴ پیشوندهای اشتقاقی



۱۳۸	۱-۲-۴ پیشوندهای فعلی
۱۴۲	۵- پسوندهای فعلی
۱۴۲	۱-۵ پسوندهای تصریفی
۱۴۲	۱-۱-۵ شناسه‌های فعلی
۱۴۲	۱-۱-۱-۵ شناسه‌های اولیه و ثانویه (پره‌سری)
۱۴۳	۲-۱-۱-۵ شناسه‌های افعال ماضی متعدی (جنوبی)
۱۴۳	۳-۱-۱-۵ شناسه‌های مختص ماضی بعید (جنوبی)
۱۴۳	۴-۱-۱-۵ شناسه‌های تالشی شمالی
۱۴۴	۲-۱-۵ پسوند ماده ماضی‌ساز
۱۴۵	۳-۱-۵ وند سببی
۱۴۵	۲-۵ پسوندهای اشتقاقی
۱۴۵	۱-۲-۵ پسوند مصدرساز
۱۴۶	۲-۲-۵ پسوند صفت مفعولی
۱۴۷	۶- وجه فعل
۱۴۷	۱-۶ وجه اخباری
۱۴۷	۲-۶ وجه تمنایی
۱۴۷	۳-۶ وجه التزامی
۱۴۷	۴-۶ وجه امری
۱۴۷	۷- نمود فعل
۱۴۸	۱-۷ نمود ساده
۱۴۸	۲-۷ نمود مستمر
۱۴۸	۳-۷ نمود تأکیدی
۱۴۸	۴-۷ نمود آغازی
۱۴۹	۸- جهت فعل
۱۴۹	۱-۸ فعل متعدی
۱۴۹	۲-۸ فعل لازم
۱۵۰	۳-۸ فعل مجهول
۱۵۱	۹- زمان فعل
۱۵۱	۱-۹ ماضی مطلق
۱۵۳	۲-۹ ماضی نقلی
۱۵۵	۳-۹ ماضی نقلی غیرمحقق
۱۵۶	۴-۹ ماضی التزامی نشانه‌دار
۱۵۷	۵-۹ ماضی التزامی (بی‌نشانه)
۱۵۹	۶-۹ ماضی بعید

۱۶۱	۷-۹ ماضی بعید تمنایی
۱۶۳	۸-۹ ماضی استمراری
۱۶۵	۹-۹ ماضی استمراری تمنایی
۱۶۷	۱۰-۹ ماضی مستمر
۱۶۹	۱۱-۹ مضارع اخباری
۱۷۱	۱۲-۹ مضارع التزامی نشانه‌دار
۱۷۲	۱۳-۹ مضارع التزامی (بی‌نشانه)
۱۷۴	۱۴-۹ مضارع مستمر
۱۷۵	۱۵-۹ آینده در گذشته
۱۷۶	۱۶-۹ آینده نزدیک
۱۷۷	۱۰- فعل امر و نهی
۱۷۷	۱-۱۰ فعل امر
۱۸۰	۲-۱۰ فعل نهی
۱۸۱	۱۱- فعل‌های معین و شبه‌معین
۱۸۱	۱-۱۱ فعل معین
۱۸۲	۲-۱۱ فعل‌های شبه‌معین
۱۸۳	۱-۲-۱۱ توانستن
۱۸۴	۲-۲-۱۱ بایستن
۱۸۵	۳-۲-۱۱ خواستن قلبی، آرزو داشتن
۱۸۶	۴-۲-۱۱ نکند/ بکند (مبادا/ بادا)
۱۸۶	۵-۲-۱۱ شروع کردن
۱۸۷	۶-۲-۱۱ امکان داشتن
۱۸۷	۱۲- فعل‌های ربطی
۱۸۷	۱-۱۲ be(n) بودن
۱۹۰	۲-۱۲ â-be(n)
۱۹۱	۳-۱۲ anda/da-be(n)
۱۹۲	۴-۱۲ pe-be(n)
۱۹۲	۵-۱۲ vi-be(n)
۱۹۲	۱۳- فعل‌های غیرشخصی
۱۹۳	۱۴- فعل ناقص
۱۹۴	۱۵- چند نکته مهم در فعل تالشی
۱۹۴	۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری
۱۹۶	۲-۱۵ افزونه فعل‌های ماضی
۱۹۷	۳-۱۵ ساخت ارگتیو



۲۳۶	۱-۶ وجه اخباری
۲۳۶	۲-۶ وجه تمنایی
۲۳۶	۳-۶ وجه التزامی
۲۳۶	۴-۶ وجه امری
۲۳۶	<b>۷- نمود فعل</b>
۲۳۷	۱-۷ نمود ساده
۲۳۷	۲-۷ نمود مستمر
۲۳۷	۳-۷ نمود تأکیدی
۲۳۷	۴-۷ نمود آغازی
۲۳۸	<b>۸- جهت فعل</b>
۲۳۸	۱-۸ فعل متعدی
۲۳۸	۲-۸ فعل لازم
۲۳۹	۳-۸ فعل مجهول
۲۳۹	<b>۹- زمان فعل</b>
۲۳۹	۱-۹ ماضی مطلق
۲۴۱	۲-۹ ماضی نقلی
۲۴۴	۳-۹ ماضی استمراری
۲۴۶	۴-۹ ماضی بعید
۲۴۸	۵-۹ ماضی بعید تمنایی
۲۵۰	۶-۹ ماضی التزامی
۲۵۲	۷-۹ ماضی مستمر
۲۵۵	۸-۹ مضارع اخباری
۲۵۶	۹-۹ مضارع التزامی
۲۵۹	۱۰-۹ مضارع مستمر
۲۶۱	<b>۱- فعل امر و نهی</b>
۲۶۱	۱-۱۰ فعل امر
۲۶۳	۲-۱۰ فعل نهی
۲۶۴	<b>۱۱- فعل‌های معین و شبه‌معین</b>
۲۶۴	۱-۱۱ فعل معین
۲۶۵	۲-۱۱ فعل‌های شبه‌معین
۲۶۵	۱-۲-۱۱ توانستن (tonəst-ən)
۲۶۶	۲-۲-۱۱ نتوانستن
۲۶۶	۳-۲-۱۱ توانستن (šāstən)
۲۶۷	۴-۲-۱۱ جرأت داشتن

۲۶۷	۵-۲-۱۱ بایستن
۲۶۹	۶-۲-۱۱ شروع کردن
۲۶۹	۶-۲-۱۱ خواستن
۲۷۰	۷-۲-۱۱ امکان داشتن
۲۷۰	۱۲- فعل‌های ربطی
۲۷۰	۱-۱۲ būn بودن
۲۷۳	۲-۱۲ â-būn
۲۷۴	۳-۱۲ dā-būn
۲۷۴	۴-۱۲ fu-būn
۲۷۵	۱۳- فعل‌های غیرشخصی
۲۷۵	۱۴- فعل ناقص
۲۷۵	۱-۱۴ manne (نمی‌تواند)
۲۷۵	۲-۱۴ hisə (هست)
۲۷۵	۱۵- چند نکته مهم در فعل گیلکی
۲۷۶	۱-۱۵ فعل مرکب ضمیری
۲۷۷	۲-۱۵ افزونه فعل‌های ماضی
۲۸۹-۲۷۹	بخش ششم: نتیجه بخش گویش گیلکی
۳۰۹-۲۹۰	بخش هفتم: نتیجه تطبیق گویش‌ها با هم
۳۱۲-۳۱۰	کتاب‌نامه

### جدول علایم آوانگاری و نشانه‌های اختصاری

در این پایان‌نامه مثال‌هایی از گویش‌های مختلف ذکر شده است و توصیف جدول واج‌های همه آنها در اینجا نمی‌گنجد، در صورت نیاز خوانندگان می‌توانند به کتاب‌های آواشناسی (فونتیک) علی محمد حق شناس (۱۳۸۲) و آواشناسی زبان فارسی، آواها و ساخت آوایی هجا، از یدالله ثمره (۱۳۸۵) مراجعه کنند. در جدول زیر چند نمونه از مهم‌ترین علایم آوانگاری و اختصاری ذکر می‌گردد.

#### نشانه‌های آوانگاری

نشانه	مفهوم	نشانه	آوا
r	ر		۱- صامت (همخوان)
m	م	p	پ
n	ن	b	ب
l	ل	t	ت
y	ی	d	د
	۲- مصوت (واکه)	k	ک
i	ای بی	g	گ
e	ای بی، ه	q	ق، غ
a	آ بی، ه	ʔ	ع، ء (همزه)
ə	در انگلیسی about (در باره)	f	ف
o	او، و	v	و
ō	او (کشیده)	s	س، ث، ص
â-ā	آ، ا	z	ز، ذ، ض، ظ
u	او، و	ʃ	ش
ū	او (کشیده)	ʒ	ژ
ây	آی	x	خ
oy	در انگلیسی boy (پسر)	h	ه، ح
ay	آی	č	چ
ey	ای	j	ج

#### نشانه‌های اختصاری

نشانه	مفهوم	نشانه	مفهوم
/	یا	∅	نشانه تهی
v	vowel	( )	انتخاب آزاد، معنی و توضیح
'	تکیه	c	consonant
:نک:	نگاه کنید	→	تبدیل می‌شود به
[ ]	نشانه آوانویسی و نیز صدای میانجی	*	صورت فرضی یا نادرست

## بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی

جهاندوست سبزیعلیپور

گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی، از مجموعه گویش‌های ایرانی نو شاخه شمالی غربی‌اند که در حاشیه دریای خزر رایج‌اند و گاهی نیز به نام «گویش‌های حوزه خزر» خوانده می‌شوند. گویشوران آنها اغلب قادر به ارتباط با یکدیگرند و زبانشان جز در پاره‌ای موارد، تفاوت چندانی با هم ندارند تا به خاطر آن مجبور به استفاده از مترجم یا زبان معیار باشند.

از هرکدام از این سه گویش، کم و بیش توصیف‌هایی صورت گرفته است و اغلب توصیف‌کنندگان گویشوران این گویش‌ها بوده‌اند، با این حال هنوز به طور دقیق و علمی با همدیگر تطبیق داده نشده‌اند و بررسی نشده است که حدود شباهت و تفاوت آنها تا چه اندازه است.

این پایان‌نامه به قصد تطبیق سه گویش فوق‌الذکر، در یکی از حوزه‌های زبانی، یعنی ساخت فعل، به نگارش درآمده است. بدین منظور از هر گویش، سه گونه انتخاب شده که در مرحله اول، گونه‌های یک گویش با هم و در مرحله بعد با دو گویش دیگر و سرآخر با زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه مقایسه شده‌اند. به عبارتی دیگر، نه گونه از سه گویش در یک مرحله با همدیگر و در مرحله‌ای دیگر با زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه مقایسه شده‌اند.

از تاتی گونه‌های دروی (deravi)، لردی (lərdi)، کجلی (kajali)؛ و از تالشی گونه‌های پره‌سری (parasari)، سیاهمزیگی و عنبرانی؛ و از گیلکی گونه‌های رشتی، رودسری، و فومنی، از نظر ساخت فعل با هم بررسی و مقایسه شده‌اند.

در این پایان‌نامه مباحثی مانند ریشه، ماده، انواع ماده‌های مضارع، ماضی، مجهول، جعلی، واداری، وندهای فعل اعم از تصریفی، اشتقاقی، پیشوند، پسوند، وندهای مصدر، صفت مفعولی، ماده ماضی‌ساز و نمود، وجه، جهت و زمان فعل بررسی شده است. بررسی انواع فعل‌های ساده، پیشوندی، مرکب، فعل‌های معین، شبه معین و ناقص از دیگر قسمت‌های این پایان‌نامه است.

از بخش‌های دیگر پایان‌نامه می‌توان به مهم‌ترین ویژگی‌های گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، نظیر تمایز جنس دستوری، ساخت ارگتیو، و ... اشاره کرد. مثال و نمونه‌های فراوانی از ساخت فعل برای هر یک از نه گونه مورد نظر این پایان‌نامه، ذکر شده است.

### کلید واژه‌ها:

بررسی تطبیقی، ساخت فعل، گویش تاتی، گویش تالشی و گویش گیلکی.

**Abstract:**

**A Comparative Study of Verb Structure in Tati, Taleshi and Gilaki Dialects**

Jahandoost Sabzalipour

Tati, Taleshi and Gilaki dialects are among the northwestern New Iranian languages which have been spoken in the regions along the coast of the Caspian Sea and are sometimes referred to as 'Caspian Dialects'. The native speakers of these three dialects are often able to communicate with one another and since their languages are not much different except in several cases, they need not use interpreters or the standard language.

All these three dialects have been often described in varying degrees by their native speakers in a non-scientific and non-linguistic way. However, they have not yet been compared scientifically and rigorously and it is not obvious how similar or different they are.

This dissertation is aimed at carrying out a comparative study on the above-mentioned dialects in one of the linguistic domains, namely, verb structure. To this end, from each language three dialects were selected and were first compared intralingually and next with the other two dialects and finally with Old and Middle Iranian languages.

Daravi, Lardi and Kajali dialects from Tati, Central (Parasar & Asalem dialects), Southern (Siamazgi), and Northern (Anbarani) from Taleshi, and Rashti Gilaki, Eastern Gilaki (Roudsari), Western Gilaki (Foumani) from Gilaki were compared and contrasted concerning their verb structure.

In this dissertation, issues such as root, verb affixes, various affixes of present, past, passive, causative, inflectional and derivative affixes, prefix, suffix, infinitive affixes, past participle, past-forming affixes and, aspect, and tense were investigated. An examination of various simple, prefix-based, compound, auxiliary, semi-auxiliary and imperfect verbs has also been part of this study.

Furthermore, in this dissertation, the most important features of Tati, Taleshi and Gilaki dialects such as grammatical gender, ergative construction, etc. were stated in passing. Abundant examples and samples from verb structure were stated for each of the nine dialects investigated in the present study.

**Key words:**

comparative study, Verb Structure, Tati, Taleshi, Gilaki .



## مقدمه، مبادی و کلیات

آنچه در مقدمه آمده کلیات مبادی و مفاهیمی است که در این پایان‌نامه به کار رفته و در چند بخش زیر تنظیم شده است:

- ۱- بیان مسأله تحقیق، ۲- پیشینه تحقیق، ۳- ضرورت و هدف تحقیق، ۴- روش تحقیق (۴-۱ معرفی گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، ۴-۲ جغرافیای زبانی، ۴-۳ روش تهیه و تحلیل، ۴-۴ گویشوران)، ۵- پرسش‌های اساسی تحقیق، ۶- ساختار پایان‌نامه، ۷- چند نکته و تذکر درباره این پایان‌نامه.

### ۱- بیان مسأله تحقیق

تلفی گذشتگان از زبان به عنوان یک وسیله ارتباطی، امروزه تغییر کرده و جایش را به تعریف‌های دیگری از زبان داده است. امروزه زبان نه صرفاً یک وسیله ارتباطی، بلکه خانه هستی و بستری است که رودخانه عظیم تفکر بشری در آن جاری است. تمام نگرش انسان به هستی و ماورای آن در زبان منعکس می‌شود و این زبان است که به انسان قدرت غلبه بر جهان پیرامون اعطا می‌کند. با شناخت یک زبان می‌توان جامعه گویشوران آن زبان را از منظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، ادبی، تاریخی، سیاسی و... شناخت.

«روزگار ما از یک دیدگاه عصر تشخیص‌ستیزی است. مردم زمانه روگردان از هرگونه تبعیض و تفاوت، هراسان از هر نوع تشخیص و تمایز، با شتاب هرچه تمام‌تر به سوی یکسانی و یکدستی و یکنواختی رانده می‌شوند. پیروان آیین جهان‌بینی، طرفداران یکسوگرایی اجتماعی و کارگزاران سوداگری آزاد جهانی می‌کوشند طرحی بیندازند و سامانی بچینند تا در ناکجاآباد هزاره سوم، همگان زیر سلطه یک نظام اقتصادی نامرئی، همه مثل هم بزیارند و مثل هم بزیند و مثل هم بمیرند! با این شتاب که هر روز در هر چهار سوی جهان، مرزهای طبیعی، گسست‌های ضروری و ناهم‌داستانی‌های سالم و لازم می‌شکنند و فرو می‌ریزند، دیری نباید که گیتی عاری از آرایش‌ها و برهنه از شکفتگی و زیبایی‌هایش، که بخش کلانی از آنها ناشی از رویارویی تفاضل‌ها و ناهمتایی‌هاست، خراب‌آبادی شود هموار و مستوی که در آن ترک و رومی و چینی و زنگی، همه در پشت رایانه‌هایشان با کیف‌های سامسونت در دست و تلفن‌های همراه در جیب و همبرگر مک‌دونالد در دهان همه همسان بزیند و بمیرند!»

امروزه بررسی تفاوت‌ها و تشخیص‌های فرهنگی بسیار مشکل شده است، چرا که جهان به یکسان‌سازی روی آورده است. گویش‌ها و لهجه‌ها، همان تشخیص‌ها و تفاوت‌های فرهنگی‌اند که در مقابل یکسان‌سازی جهانی دوام آورده و هنوز هم به یکدستی تن نداده و برجسته و متمایز از دیگران باقی مانده‌اند. در زمانی که گویش‌ها هر روز مثل کوهی یخی در حال ذوب شدن هستند، پرداختن به گویش‌ها و تفاوت‌ها بسیار ارزشمند است، این در حالی است که در کشور ما این امر جدی گرفته نشده است و به همین خاطر شاهد از دست دادن گویش‌های اصیل ایرانی هستیم.

دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی همگانی، فرهنگ و زبان‌های باستانی و زبان و ادبیات فارسی و ... در چند دهه اخیر پایان‌نامه‌های خوبی در زمینه گویش‌های ایرانی تألیف کرده‌اند<sup>۲</sup>، اما هنوز درباره بعضی از گویش‌های ایرانی کارهای شایسته‌ای در داخل ایران صورت نگرفته است و تعدادی از آنها نیز نوشته‌هایی هستند که فقط گویش‌وران منطقه یا نویسندگان‌شان از آنها لذت می‌برند و در محافل علمی قابل اعتماد نیستند و نمی‌توان بدانها استناد کرد. اغلب منابع قابل استناد در این زمینه، تحقیقاتی هستند که ایران‌شناسان خارجی و مستشرقان، چند دهه قبل انجام داده‌اند.

۱- بخشی از بیانات دکتر بهمن سرکاراتی در مراسم افتتاحیه نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران (سرکاراتی، ۱۳۸۰: ۵).

۲- محمد امین ناصح در مجموعه‌ای ارزشمند، فهرست پایان‌نامه‌های حوزه زبان و زبان‌شناسی را همراه با چکیده‌هایشان گردآوری کرده است (ناصر، ۱۳۸۶).

گوش‌ها را به چند طریق می‌توان بررسی کرد: طریق اول آن است که آنها را بدون هیچ مقایسه‌ای فقط توصیف کنیم؛ راه دوم آنکه آنها را با گوش‌های مشابه و متفاوت بسنجیم؛ و راه دیگر آنکه از نظر طبقه‌بندی جغرافیای زبانی و رده‌شناختی، آنها را مطالعه کنیم. توصیف دقیق یک گوش با تمام ظرافت‌ها و نکته‌سنجی‌هایش، مانند بررسی تطبیقی گوش‌ها نیست، چرا که در بررسی تطبیقی نگاهی شامل و عام نیاز است تا بتوان آنها را در کنار هم گذاشت و به تفاوت‌ها و تشابهات آنها پی برد. بررسی رده‌شناختی و طبقه‌بندی جغرافیایی زبان‌ها در رأس همه مطالعات زبانی قرار دارد و به نوعی از مراحل پایانی شناخت زبان‌هاست.

بررسی تطبیقی گوش‌های یک منطقه، به عنوان مثال گوش‌های حاشیه دریای خزر، این امکان را به محقق می‌دهد که خط سیر تحولات هر کدام از آنها را ترسیم نماید و حتی در تک‌تک موارد زبانی به مقایسه آنها بپردازد، نحوه تحول و احیاناً فروپاشی و ویژگی‌های زبانی هریک از گوش‌ها را مشخص کند.

در این پایان‌نامه یکی از مقوله‌های دستوری، یعنی ساخت فعل، در گوش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، بررسی و موارد تشابه و تفاوت هر کدام ذکر و در مواردی ارتباط هر کدام با زبان‌های ایرانی باستان و میانه غربی بیان شده است.

## ۲- پیشینه تحقیق

این اثر در بردارنده نه گونه از سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی است. از گویش تاتی خلخال، گونه‌های دروی (dəravi)، لردی (lərdi) و کجلی (kajali)، از گویش تالشی، گونه‌های عنبرانی، پره‌سری (parasari) و سیاه‌مژگی، و از گویش گیلکی، گونه‌های رشتی، رودسری و قومنی انتخاب شده‌اند. تا جایی که نگارنده می‌داند در حوزه ساخت فعل سه گویش فوق به طور تطبیقی تحقیقی انجام نشده است. در ذیل به تعدادی از اهم منابع قابل توجه و ارزشمند که در زمینه ساخت فعل در گوش‌های سه‌گانه مطالبی بیان کرده‌اند، اشاره می‌کنیم:

درباره گونه‌های دروی<sup>۲</sup> و لردی<sup>۳</sup> گویش تاتی تحقیق زبان‌شناختی ارزشمندی صورت گرفته است. احسان یارشاطر (۱۹۶۰) در مقاله ارزشمند «گویش تاتی کجلی»<sup>۴</sup> به ذکر نکات کلی در زمینه ساخت فعل تاتی کجلی بسنده کرده و در مقاله دیگری (۱۹۵۹) با عنوان «گویش شاهرود (خلخال)» ویژگی‌های بسیار کلی تاتی خلخال را بر مبنای گونه کلوری و شالی ذکر کرده است. یحیی‌زاده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال» (۱۳۸۲) نکات مفیدی درباره تاتی کلوری بیان نموده است. رضایتی و سبزه‌علی‌پور نیز در مقاله «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال» (۱۳۸۶) به ذکر ویژگی‌های ساخت مورد نظر در آن گویش پرداخته‌اند.

در زمینه تالشی اولین اثر مهم قابل ذکر رساله‌ای است از پاول ریس (۱۸۵۵) با عنوان «درباره تالش‌ها، طرز زندگی و زبان آنها» که در شماره سوم مجله انجمن جغرافیایی قفقاز، در تفلیس به چاپ رسیده است. در زمینه تالشی شمالی مهم‌ترین اثر نوشته ب. و. میلر (۱۹۵۳) با عنوان «زبان تالشی» است که در آن تالشی منطقه لنکران جمهوری آذربایجان بررسی شده است. ولفگانگ شولتز (۲۰۰۰) در کتاب «تالشی شمالی» و ربابه امیریان (۱۳۸۴) در «گویش تالشی عنبران اردبیل (ویلکیج)»، به بررسی تالشی شمالی پرداخته و مواد زبانی مفیدی درباره تالشی آن منطقه ارائه کرده‌اند.

در حوزه تالشی مرکزی علاوه بر مقاله «تالشی اسلام» از یارشاطر (۱۹۹۶) آثار ارزشمند رضایتی کیشه‌خاله قابل ملاحظه است، از جمله آنها کتاب «زبان تالشی» (۱۳۸۶) و مقالات «چند نکته دستوری در گویش تالشی» (۱۳۸۲)، «ارگتیو در گویش تالشی» (۱۳۸۴)، «مصدر و ساخت آن در گویش تالشی» (۱۳۸۵) و «تأملی دیگر در فلهویات شیخ صفی‌الدین

۳- کتاب «گویش تاتی از زبان آذری» از منصوره پورداد، نشر هما، ۱۳۸۵، در ۱۲۳ صفحه، درباره گویش دروی است، اما مواد زبانی اندکی دارد و چندان هم از نظر علمی قابل اعتماد نیست.

۴- پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی «زبان تاتی در شاهرود خلخال» را جواد معراجی‌لرد در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، در سال ۱۳۷۷ نوشته‌اند و بخش دستوری اندکی دارد و بیشتر به واژگان پرداخته است.

۵- ماری، آرادگلی (۱۳۴۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی با عنوان «بررسی واج‌شناسی گویش تاتی دهکده کجلی (خلخال) براساس روشهای نوین زبان‌شناسی» به بررسی واج‌شناسی آن گونه پرداخته است.

اردبیلی» (۱۳۸۴) قابل ذکرند. پورشفقی (۱۳۸۵) در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی» دستگاه فعل تالشی را به صورت تطبیقی در شش گونه، بررسی کرده است.

در زمینه تالشی جنوبی، مقاله پروفیسور لازار<sup>۶</sup> (۱۹۷۸) با عنوان «گویش تالشی ماسوله (گیلان)» و کتاب «زبان تالشی (گویش خوشابر)» حاجت پور (۱۳۸۳) قابل توجه‌اند. مهرداد نغزگوی کهن در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (۱۳۷۴) با نام «بررسی گویش تالشی دهستان تاسکوه ماسال» و نیز در مقاله «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی (دهستان تاسکوه ماسال)» (۱۳۷۵)، نکات مفیدی درباره تالشی تاسکوه ارائه داده است. رفعی جیردهی در دو مقاله «پیشوندهای فعلی در تالشی» (۱۳۸۴) و «فعل پیشوندی در تالشی» (۱۳۸۶) نکات قابل توجهی را در زمینه تالشی جنوبی بر مبنای گونه آلیانی (از دهستان‌های توابع فومن) بررسی کرده و تعداد و بسامد هریک از پیشوندهای فعلی را با جدول‌هایی همراه مصادر و فعل‌های پیشوندی ذکر نموده است.

در زمینه گویش گیلکی رشت<sup>۷</sup> منابع زیر قابل توجه‌اند:

«گویش گیلکی رشت»<sup>۸</sup>، از کریستن‌سن (۱۳۷۴)، «زبان گیلکی»<sup>۹</sup> از ت. ن. پاخالینا و و.س. سوکولوا (۱۹۵۷)، «زبان گیلکی»<sup>۱۰</sup> از و.س. راستارگویوا (۱۹۷۱)، مقاله «پیشوندهای فعلی در گویش گیلکی و راههای بازشناسی آنها»، از احمد سمعی (گیلانی) (۱۳۸۰)، «بررسی ویژگی‌ها و ساختار زبان گیلکی رشتی» از پورهادی و شهرستانی (۱۳۸۴)، پایان‌نامه دکتری مسعود پورریاحی (۱۳۵۰) با عنوان «بررسی گویش گیلکی رشت»<sup>۱۱</sup>، پایان‌نامه کارشناسی ارشد از مجید عبدی‌ولمی (۱۳۷۶) با عنوان «پیوند گویش گیلکی با زبان‌های باستانی ایران (اوستا، فارسی باستان و پهلوی)»<sup>۱۲</sup> و پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرانک ادیبی (۱۳۵۰) با عنوان «گویش گیلکی رشت»<sup>۱۳</sup>.

در حوزه گیلکی غربی رساله دکتری ایوب رسایی با عنوان «گویش گیلکی فومنات» (۱۳۸۴) قابل ملاحظه است. در این پایان‌نامه آن گونه که باید، به مسایل زبانی گویش گیلکی پرداخته نشده ولی کلیات مفصلی از پیشینه پژوهش‌های گیلکی ارائه شده است، حتی در این رساله تعداد پیشوندهای فعلی گیلکی نیامده است. در زمینه گیلکی غربی دیگر مناطق، می‌توان از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصطفی حقیری لیمودهی (۱۳۷۱) با عنوان «بررسی گروه اسمی و گروه فعلی گویش گیلکی صومعه‌سرا» نام برد.

در زمینه گویش گیلکی شرقی پایان‌نامه کارشناسی ارشد نصرالله جعفری (۱۳۷۹) با عنوان «زمان و نمود (در عبارت فعلی) گویش گیلکی رودسری» و نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد سیده‌لعیا جلالی امام (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی گویش املشی» قابل ملاحظه‌اند.

۶- جعفر خمایی‌زاده و علی رفعی جیردهی ترجمه این مقاله و دو مقاله دیگر از لازار را سال ۱۳۸۶، در انتشارات دانشگاه گیلان به چاپ رسانده‌اند (← کتاب‌نامه).

۷- مرحوم رضا مدنی در «کتاب‌شناسی و بررسی واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌ها و نوشته‌های گیلکی، دیلمی و تالشی (از سده هشتم تا کنون)»، فهرست مفصلی از منابع تهیه نموده و در جلد دوم گیلان‌نامه (مجموعه مقالات گیلان‌شناسی)، سال ۱۳۶۹ به همت م. پ. چکتاجی چاپ شده است.

۸- این کتاب با ترجمه و تحشیه جعفر خمایی‌زاده، در سال ۱۳۷۴ در انتشارات سروش به چاپ رسیده است.

۹- این اثر بعد از کریستن‌سن، علمی‌ترین بررسی دستوری از گویش گیلکی به شمار می‌آید.

۱۰- این کتاب را مرحوم رضا مدنی ترجمه کرده، اما گویا مجال چاپ آن را پیدا نکرده و این نکته را قبل از مرگ در مقاله خود آورده است (مدنی، ۱۳۶۹: ۲۳۶-۳۹۵).

۱۱- این پایان‌نامه در کتابخانه دانشکده ادبیات و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود نبود (در اردیبهشت ۱۳۸۸ به کتابخانه‌های مذکور مراجعه کردم و مدتی بعد وقتی نوشته‌های دکتر مدنی (۱۳۶۹: ۳۶۵) را خواندم، متوجه شدم ایشان نیز همین مطلب را در کتابشناسی خود آورده است).

۱۲- این پایان‌نامه در پی پیوند گویش گیلکی رشت با زبان کهن فارسی است و ریشه‌های قدیمی واژگان گیلکی را با زبان‌های دوره باستانی و میانه مقایسه کرده است.

۱۳- در این پایان‌نامه پاره‌ای از وندهای تصریفی گویش گیلکی رشت ذکر شده و چندین متن گیلکی با خودکار آوانویسی شده که به دلیل تاریخ نگارش آن (۱۳۵۰) قابل توجه است. در این پایان‌نامه /tə/ یک پیشوند فعلی فرض شده است (برای توضیح بیشتر ← بخش «پیشوندهای فعلی گیلکی رشتی»).

## ۳- ضرورت و هدف تحقیق

با گذشت سال‌ها از نشر دانش زبان‌شناسی در جهان، هنوز بعضی از زبان‌های ایرانی آنچنان که باید بررسی و تحلیل نشده‌اند و ناگفته‌های آن بسیار است. با این حال، می‌توان حدس زد که وضعیت گویش‌ها یا زبان‌های ایرانی نو چگونه است. در این سرزمین کهن، گاهی قلمرو یک گویش به اندازه یک روستاست و از این نظر تعدد گویش‌های ایرانی نو بر هیچ کس پوشیده نیست. بدون شک همه این گویش‌ها توصیف و تحلیل نشده‌اند. اگر وضعیت چنین ادامه بیابد، دیری نمی‌پاید که شاهد فروپاشی بسیاری از گویش‌های ایرانی خواهیم بود.

در حوزه دریای خزر، مردمانی زندگی می‌کنند که علاوه بر اشتراک فرهنگی و مردم‌شناختی، از نظر زبانی بسیار به هم شبیه‌اند. اقوام گیلک، تالش و تات زبان‌های اطراف دریای خزر تعامل نزدیکی با هم دارند و قرابت زبانی بین این سه گویش را حتی گویشوران نیز احساس می‌کنند، اما تحقیقی علمی درباره قرابت، شباهت و ارتباط این سه گویش با هم صورت نگرفته و معلوم نیست نسبت شباهت تاتی و تالشی دقیقاً چقدر است و تالشی با گیلکی چه ارتباطی دارد.

گویش‌های سه‌گانه فوق از جنبه‌های مختلف از جمله: ساخت آوایی، ساخت تصریفی (ساخت‌واژی) و ساخت نحوی قابل مطالعه‌اند. در این پایان‌نامه سعی شده است ساخت تصریفی این گویش‌ها در حوزه فعل، با هم مقایسه شوند تا حدود تشابهات و تفاوت‌های آنها معین گردد.

## ۴- روش تحقیق

## ۴-۱ معرفی گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی

هریک از گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی را می‌توان به اعتباری زبان و به اعتباری دیگر گویش نامید. «تمام گویش‌های ایرانی، قدیم و جدید، مکتوب و غیرمکتوب، با سخنگویان بسیار یا کم، تماماً گویش‌هایی هستند که از ایرانی مشترک، مشتق شده‌اند و در جریان یک تحول طولانی به صورت زبان‌های مستقل درآمده‌اند. میان مفهوم «زبان» و «گویش» یک رابطه دیالکتیکی وجود دارد. شاخه‌شاخه شدن و پیدا شدن تفاوت میان دو زبان یک قبیله یا یک ملت که در اصل، یک زبان واحد است، منجر به تشکیل گویش‌ها می‌گردد. با این‌همه در شرایط تاریخی معینی هر یک از این گویش‌ها می‌تواند منشأ پیدایش یک زبان مستقل گردد.» (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۲۸).

برای معرفی گویش‌های فوق و تعیین جایگاه آنها، نخست لازم است زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را با نگاهی کلی معرفی کنیم و در ادامه گویش‌های سه‌گانه مورد نظر و جایگاه آنها را در مجموعه زبان‌های ایرانی با تفصیل بیشتری مشخص کنیم. زبان‌های ایرانی دسته‌ای از زبان‌های هندواروپایی‌اند که با هم ارتباط نزدیکی دارند. نام هندواروپایی به گروهی از زبان‌های هم‌ریشه اطلاق می‌شود که امروزه از هندوستان تا آمریکا گسترده است و در استرالیا و قسمتی از آفریقا نیز رواج دارد و از حیث وسعت و کثرت آثار و اهمیت تاریخی مهم‌ترین گروه زبان‌های عالم به شمار می‌رود (یارشاطر، ۱۳۲۶: ۱۱). هندوایرانی، ژرمنی، هیتی، ارمنی، بالتی و اسلاوی، آلبانیایی، یونانی، لاتینی، کلتی و ... از شاخه‌های بزرگ زبان هندواروپایی‌اند. زبان هندوایرانی بعدها خود به دو دسته هندی و ایرانی تقسیم شد.

شرایط تاریخی- فرهنگی متفاوتی باعث پیدایش دگرگونی در زبان ایرانی مشترک شده و آنها را به دو دسته شرقی و غربی تقسیم کرده است. می‌توان کویر نمک را مرز قراردادی میان این دو گروه قرار داد (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۴۸). گویش‌هایی که در شرق کویر واقع شده‌اند، گویش‌های شرقی و آنها که در غرب آن قرار گرفته‌اند، گویش‌های غربی نامیده می‌شوند. بار دیگر گویش‌های گروه غربی به دو شاخه تقسیم می‌شوند:

الف) گویش‌های جنوب‌غربی که در جنوب غربی فلات ایران رواج داشته و دارند؛

ب) گویش‌های شمال‌غربی که در شمال و شمال‌غربی فلات ایران به کار رفته و می‌روند.

به طور کلی همه زبان‌های ایرانی به سه دوره تاریخی تقسیم شده‌اند:

۱- زبان‌های ایرانی باستان (از آغاز نگارش تا سده‌های چهارم و سوم پیش از میلاد) (اشمیت، ۱۳۸۲: ۶۰). از ایرانی باستان زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، مادی و سکایی قابل ذکرند.